

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

کربلا، عاشورا، امام حسین علیه السلام، گریه و سوگواری (۱۱)

کلیدواژگان: اباعبدالله‌الحسین علیه السلام، فضیلت زیارت عاشورا، تولی، تبری، دشمنان اهل‌بیت علیهم السلام، کودتای سقیفه، مسببان جنایت، لعن، طینت علیّینی و سجّینی، سلام، اشک، سیر باطنی، ثبات قدم، مقام محمود. دیدار و ملاقات.

✿ اگر شده در همه‌ی عمر لاقلاً یک‌بار زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخوان و از آن محروم نمان.^۱

می‌خواهم کمی راجع به زیارت عاشورا خدمتتان صحبت کنم؛ اولاً می‌دانید که زیارت عاشورا از زیارت‌های بسیار موثّق و مورد اعتماد بزرگان اهل حدیث و اهل دعاست. این زیارت را بزرگانی از علمای ما نقل کرده‌اند؛ شخصیت‌هایی که مورد اعتنا و اعتبار دانشمندان بزرگ علوم اسلامی هستند. بنابراین کسانی که به دلیل پیام بسیار زیبا و کوبنده و سازنده‌ای که زیارت عاشورا دارد، در سند این زیارت تشکیک کردند، تشکیک آنها جایی ندارد. از طرق متعدّدی این زیارت نقل شده است؛ هم از امام باقر علیه السلام و هم از امام صادق علیه السلام. بنابر آنچه شواهد و ادلّه نشان می‌دهد، این زیارت قطعاً جزء زیارات مأثوره و معتبری است که از ائمه علیهم السلام وارد شده است؛ بنابراین در اعتبارش تردید نیست. در فضیلتش

۱. مهدی‌طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۰۵، ف ۴.

هم باید گفت فضیلت بسیار بالایی دارد. شاید راجع به کم متن زیارتی این گونه تعابیر در روایات آمده است. زیارت اباعبدالله الحسین علیه السلام با عبارتهای مختلفی چه زیارت‌های مطلقه و چه مخصوصه، فراوان وارد شده است و نمونه‌هایی را می‌توان در کتاب *مفاتیح الجنان* ملاحظه کرد؛ اما تعابیری که راجع به زیارت عاشورا آمده، تعابیر بسیار عجیبی است. در روایتی که علقمه از امام باقر علیه السلام نقل کرده، حضرت فرمودند: کسی که این زیارت را بخواند، صد هزار هزار درجه بالا می‌رود. هزار هزار یعنی میلیون! کسی که با زیارت عاشورا اباعبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کند، صد میلیون کلاس و درجه بالا می‌رود؛ یا فرمودند: مثل کسی است که با خود امام حسین علیه السلام شهید شده باشد؛ یعنی خواندن این زیارت انسان را هم‌رتبه‌ی شهدای کربلا می‌کند. یا فرمودند کسی که این زیارت را بخواند ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی از آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه به او داده می‌شود؛ یا فرمودند: اگر کسی این زیارت را بخواند ثواب زیارت هر کس که امام حسین علیه السلام را از روز شهادتشان تا روز قیامت زیارت کند به او عطا می‌کنند.^۲ فوق‌العاده است! بنده تاکنون برخورد نکرده‌ام و این گونه تعابیر عجیب را نه برای زیارت سائر ائمه علیهم السلام دیده‌ام، و نه حتی راجع به زیارت‌های دیگری که برای خود امام حسین علیه السلام نقل شده است؛ این گونه تعابیر عجیب را ندیده‌ام. زیارت عاشورا در فضیلت، فوق‌العاده است.

در روایت دیگری که صفوان این زیارت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده، حضرت فرمودند: کسی که با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کند، اولاً مطمئن باشد که زیارتش مقبول است؛ چون ممکن است کسی زیارت کند ولی مورد قبول حضرت واقع نشود؛ اما فرمودند که زیارتش قبول است و «سعیش مشکور» است؛ یعنی مورد تشکر امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرد. خود امام حسین علیه السلام از او تشکر می-

۲. طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۳؛ ابن‌قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۷۶ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۹۱: **فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَكَ مِائَةَ أَلْفِ [أَلْفٍ] دَرَجَةٍ وَ كُنْتَ مِمَّنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ حَتَّى تَشَارِكَهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي الشُّهَدَاءِ الَّذِينَ اسْتَشْهَدُوا مَعَهُ وَ كَتَبَ لَكَ ثَوَابَ كُلِّ نَبِيٍّ وَ رَسُولٍ وَ زِيَارَةٍ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ مِنْذُ يَوْمِ قِيلَ.**

کند که مرا زیارت کردی! و خدای امام حسین علیه السلام از او تشکر می‌کند! و سلامی که او با این زیارت از هر جای عالم به امام حسین علیه السلام می‌دهد، مطمئن باشد که سلامش به محضر حضرت می‌رسد و اگر حاجتی دارد از جانب خدا برآورده می‌شود. باز بنا به آن روایت فرمودند: به هر مرتبه که می‌خواهد می‌رسد. خیلی عجیب است. شما می‌خواهید در سیر و سلوک عرفانی به کجا برسید؟ هر جا که می‌خواهید برسید با زیارت عاشورا می‌توانید. این زائر به هر مرتبه که بخواید، می‌رسد و خدای متعال و امام حسین علیه السلام او را ناامید بر نمی‌گردانند. کسی که با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کند، کامیاب برمی‌گردد. باز از آثار این زیارت فرمودند: فوز به جنت و نجات از دوزخ است. کسی که با این زیارت امام حسین علیه السلام را زیارت کند، شفاعتش در حق هر کس که شفاعت کند جز در مورد دشمنان اهل بیت علیهم السلام مورد قبول قرار خواهد گرفت؛^۳ یعنی فردای قیامت به زیارت‌کننده اجازه می‌دهند که به- جز دشمنان اهل بیت علیهم السلام در مورد هر کس که می‌خواهد شفاعت کند و شفاعتش در دستگاه پروردگار پذیرفته می‌شود. این تعابیر فوق‌العاده است. فضیلت‌های زیارت عاشورا بسیار بالاست.

دو نمونه از روایات را عرض کردم که بدانیم این زیارت بسیار مورد اعتبار و وثوق، چه فضیلت‌هایی دارد. تازه اینها چیزهایی است که گفتنی بوده و گفته‌اند و آنهایی که گفتنی نبوده، نوش جان کسانی که اهل زیارت عاشورا هستند! آنها فهمیده‌اند که چه خبر است و چه چیزهایی غیر از اینها که گفته شده در زیارت عاشورا هست. ان شاء الله خدا ما را اهل زیارت عاشورا قرار دهد، آن وقت می‌بینیم که چه خبر است. لذا بنابه آنچه صاحب مفاتیح در مفاتیح الجنان نقل کرده، آن عالم، سید رشتی، در تشریفی که خدمت حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه داشتند، حضرت از او سؤال می‌کنند که چرا عاشورا نمی‌خوانید؟

۳. طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۷۸۱ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۰: زيارته مقبولة و سعيه مشكور و سلامه واصل غير محجوب و حاجته مقضية من الله بالغا ما بلغت و لا يحيبه ... قد آلى الله على نفسه عز و جل أن من زار الحسين بهذه الزيارة من قريب أو بعد و دعا بهذا الدعاء قبلت منه زيارته و شفعتة في مسأله بالغا ما بلغ و أعطيتة سؤله ثم لا ينقلب عني حائبا و أقبله مسرورا قريبا عينه بقضاء حاجته و الفوز بالجنة و العقب من النار و شفعتة في كل من شفح خلا ناصب لنا أهل البيت...

عاشورا عاشورا عاشورا! حضرت بر سه چیز تأکید می‌کنند، یکی نافله، دوم زیارت جامعه‌ی کبیره و سوم هم زیارت عاشورا. زیارت جامعه‌ی کبیره و زیارت عاشورا مکمل هم هستند. اگر دقت کنید، زیارت جامعه‌ی کبیره در مقام تولی و ولایت در اوج است و زیارت عاشورا در مقام تبری در اوج است. مقامات اهل بیت علیهم‌السلام را در زیارت جامعه‌ی کبیره می‌توانید بخوانید و عشق‌ورزی به اهل بیت علیهم‌السلام را در این زیارت می‌توانید ببینید؛ و اوج لعن و نفرین و تبری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را در زیارت عاشورا می‌بینید. زیارت عاشورا و زیارت جامعه‌ی کبیره مکمل همدیگرند؛ لذا بنابه آنچه نقل شده حضرت به سید رشتی فرمودند که: چرا زیارت عاشورا نمی‌خوانید؟! عاشورا عاشورا عاشورا! بنابراین زیارت عاشورا، زیارت بسیار عظیم‌القدری است و قدر بدانیم. همین جلسه‌ای که خدا عنایت کرده و نزدیک به ده سال است که با همدیگر داریم، از برکات زیارت عاشورا است. در طول این ده سال خدا به هر کس چیزی از رهگذر جلسه عنایت کرده، به کسی نسبت ندهید؛ همه میوه‌های زیارت عاشورا است. خدا توفیق داد از اولین جلسه‌ای که دور هم جمع شدیم با زیارت عاشورا شروع شد و تا امروز هم به لطف خدا هیچ جلسه‌ای نبوده که گرد هم جمع شویم و زیارت عاشورا حُسن مطلع آن جلسه نباشد. بنده خیلی تأکید دارم که عزیزان از اول جلسه باشید و زیارت عاشورا را از دست ندهید! آن سرچشمه است! ان شاء الله قدر بدانیم و بهره ببریم.

زیارت عاشورا را بارها و بارها با هم خوانده‌ایم و خود شما هم جداگانه بارها خوانده‌اید. مضامین زیارت را به یاد دارید. با سلام به اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام در فرازهای متعددی شروع می‌شود و در پایان این چند فراز، به شهدای کربلا در کنار اباعبدالله علیه‌السلام دسته‌جمعی سلام داده می‌شود و بعد عظمت مصیبتی که در کربلا رخ داد مورد تأکید قرار می‌گیرد. مصیبتی که خیلی عظیم است؛ نه فقط برای ما بلکه برای همه‌ی اهل اسلام بزرگ است و نه فقط برای همه‌ی اهل اسلام، برای همه‌ی ملائکه‌الله و آسمانیان و اهل آسمان مصیبت بسیار عظیمی است.

بعد از سلام وارد لعن می‌شود و نکته‌ی آموزنده‌ای که در این زیارت وجود دارد این است که در چند بار لعنی که در این زیارت تکرار می‌شود از مسببان اصلی فاجعه شروع می‌کند تا به مباشران می‌رسد. نکته‌ی بسیار مهمی است؛ یعنی کسانی که کارشان سبب شد فاجعه‌ی عاشورا شکل بگیرد، جرمشان پررنگ‌تر از کسانی است که شمشیر به‌دست گرفتند و امام حسین علیه السلام و یارانش را به‌شهادت رساندند. ببینید در نفرین از کجا شروع می‌کند! این موضوع چند بار در زیارت عاشورا اتفاق افتاده است و به ما یاد می‌دهد که مواظب باشیم؛ افرادی که مسبب اصلی در جرایم هستند نقششان پررنگ‌تر از کسانی است که معلولند و دست به کار شدند و عملاً مباشر انجام آن جرمند؛ مسببان را فراموش نکنیم. بنابراین لعن از مسببان اصلی و کودتاچیان سقیفه شروع می‌شود. عرض کردم، چند بار در زیارت عاشورا تکرار شده است. **اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِهٖ أَوْلَىٰ ثُمَّ (الْعِنِ) الثَّانِي وَ الثَّالِثِ وَ الرَّابِعِ اللَّهُمَّ الْعِنِ يَزِيدُ خَامِسًا.** از اوّلی شروع کرد و دومی و سومی و چهارمی که معاویه است و پنجمی که یزید است و به همین شکل پایین می‌رود تا اینکه به شمر می‌رسد؛ و آل ابی‌سفیان و آل‌زیاد و آل‌مروان. این نکته‌ی بسیار مهمی است. لذا بنابه آنچه از امام صادق علیه السلام نقل شده، فرمودند: جدّ ما اباعبدالله علیه السلام را روز دوشنبه به شهادت رساندند!^۴ در حالی که میدانیم روز عاشورا روز جمعه بود. روز دوشنبه چه روزی بود؟ روز رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کودتای سقیفه! فرمودند: آن روز جدّ ما اباعبدالله علیه السلام را به‌شهادت رساندند.

بعد از لعن اوّلیّه که این سلسله لعن می‌شوند، در میانه‌ی جریان لعن‌ها، لعن‌کننده موضع خود را هم می‌گوید. می‌گوید: من با دوستان، همراهان و هم‌خط‌های اباعبدالله علیه السلام در سلّم و صلح و با دشمنان

۴. مفید، مناسک‌المزار، ص ۵۹ و ابن‌مشهدی، مزارالکبیر، ص ۴۶: ... يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ، فَانَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ، وَ انْقَطَعَ الْوَحْيُ، وَ ابْتَدَأَ أَهْلُ بَيْتِهِ الْأَمْرَ، وَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ وَ هُوَ يَوْمٌ نَحْسٍ. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۴۶؛ طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۱ و استبصار، ج ۲، ص ۱۳۵: وَ يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ يَوْمٌ نَحْسٍ قَبِضَ اللَّهُ فِيهِ نَبِيِّهِ وَ مَا أُصِيبَ آلُ مُحَمَّدٍ إِلَّا فِي يَوْمِ الْاِثْنَيْنِ.

اباعبدالله عليه السلام و خط او در جنگم؛ نه فقط امروز، الی یوم القیامه! این خوب نشان می‌دهد که خط را می‌گوید؛ و الا دشمنان اباعبدالله الحسین عليه السلام که ایشان را به شهادت رساندند به درک واصل شدند. خیلی از آنها را مختار مجازات کرد و به درک واصل کرد. اگر هم کسی فرار کرده بود خودش سقط شد و مُرد. پس من با چه می‌جنگم؟ چگونه در موضع جنگم الی یوم القیامه؟! با آن خط اعلام موضع می‌کند و می‌گوید: من با خط امام حسین عليه السلام همراهم و با خط یزیدیان در جنگم. این یک جریان مستمر است. بهر حال بعد از آنکه لعن‌ها تمام می‌شود به دعا رومی آورد. اولین دعایش که دو بار در زیارت عاشورا تکرار شده این است که می‌خواهد در رکاب امام زمان عليه السلام به خونخواهی اباعبدالله عليه السلام پردازد؛ چون این خونی است که انتقامش گرفته نشده؛ می‌خواهد این توفیق را پیدا کند که در رکاب امام زمان عليه السلام انتقام بگیرد. لذا می‌دانید که پرچم قیام حضرت مهدی عليه السلام بنا به آنچه روایت شده، شعار **يا لثاراتِ الْحُسَيْنِ**^۵ است؛ یعنی ای خونخواهان اباعبدالله عليه السلام. در دعای ندبه می‌گوید: **أَيْنَ الْمُنتَقِمِ؟**^۶ دنبال منتقم می‌گردید تا در رکابش انتقام خون امام حسین عليه السلام را بگیرید.

دعای بعدی هم این است که: **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**: یعنی خدایا ما را پیش خودت هم در دنیا و هم در آخرت به حسین عليه السلام آبرومند کن؛ یعنی خدایا ما بی‌آبرویم؛ هیچ آبرویی نداریم؛ دستمان در دنیا و آخرت پیش تو روست؛ آلوده و معصیت‌کاریم! خدایا تنها چیزی که می‌تواند به ما آبرو دهد امام حسین عليه السلام است؛ همین اشک‌هایی که در مصائب اباعبدالله عليه السلام از دیدگان جاری می‌شود، آب روی ماست. می‌خواهید آبرودار شوید؟ این آب روی

۵. صدوق، امالی، ص ۱۳۰ و عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹ و سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۵۴۵.

۶. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۲۹۷ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه: **أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ**؛ فرات کوفی، تفسیر فرات، ص ۶۵۷: **فَقَالَ اللَّهُ ... إِنَّهُ لَحُجَّةٌ وَاجِبَةٌ لِأَوْلِيَائِي مُنْتَقِمٌ مِنْ أَعْدَائِي**. خصیبی، هدایة الکبری، ص ۳۲۸: **وَ مِنْ لَقْبِهِ: الْمُنتَقِمِ**. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴: **فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ**.

ماست؛ این آبی که روی گونه‌های تو می‌ریزد آبروی توست؛ والا غیر از اشک بر ابا عبدالله علیه السلام ما چه چیزی پیش خدا داریم. چه داریم جز گناه و معصیت و آلودگی؟ چه داریم؟! اما اشک بر ابا عبدالله الحسین علیه السلام آبروی ماست. **اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.**

بعد دوباره شروع می‌کند به موضع تولی و تبری؛ دوباره از مستبان شروع می‌کند و پایین می‌آید. این نکته بسیار جالب است. چند بار در متن این زیارت لعن و نفرین بر پایه‌گذاران تکرار شده است؛ **أَسَسْتُ** **أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؛** آن پایه‌گذاران که جنایت اصلی مال آنهاست. آنها که بنابه یک روایت بعد از ظهور حجّت خدا، حضرت آنها را از قبر بیرون می‌کشد، زنده می‌کند، و به یک درخت می‌بندد و محاکمه می‌کند و همه‌ی جرایم تاریخ خلقت را به پای آنها اثبات می‌کند! این موضوع، بحث ثقیلی است که بعضاً اشاره کرده‌ایم چگونه است؛ ریشه‌ی همه‌ی جرایم و فسادهای تاریخ آفرینش همین دو تا هستند؛ لذا دوباره از اینها شروع می‌کند. نفرین می‌کند و بعد از نفرین اعلام موضع می‌کند؛ تبری می‌جوید و اعلام بیزاری می‌کند. صف و خطّش را از خطّ کودتاچیان سقیفه و خونخواران عاشورا جدا می‌کند. می‌گوید: من هم خطّ آنها نیستم؛ از آنها تبری و بیزاری می‌جویم. مصداق عملی آنها را هم پیدا کنیم که خلق و خو و روش و منش آنها چه بود؟ و آیا اعمال ما ادّعای بیزاری ما را تصدیق می‌کند یا خیر؟ ان شاء الله تصدیق کند.

بعد از تولی و تبری در این فراز، دوباره به دعا منتقل می‌شود. اولین چیزی که می‌خواهد چیست؟ **أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ!** دمدمی مزاج نباشم. امروز حسینی و فردا یزیدی نباشم. مثل بعضی‌ها نماز را پشت سر امیرالمؤمنین علیه السلام و شام را سر سفره‌ی معاویه نخورم. در کنار ابا عبدالله علیه السلام ثبات قدم داشته باشم. بعد هم طلب مقام محمود می‌کند که همان مقام شفاعت است؛ یعنی بخواهم که مشمول شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش شوم؛ و مجدداً طلب خونخواهی در رکاب حضرت مهدی ارواحفاده را می‌کند. و اجر مصیبت عظمایی را طلب می‌کند که هم‌پای آن مصیبتی در عالم وجود نداشته، ندارد و

نخواهد داشت. طلب صلوات و مغفرت و رحمت می‌کند و طلب اینکه زندگی و مرگش زندگی و مرگ پیامبر ﷺ و خاندان او باشد. خدا می‌داند که این دعاها یعنی چه! ما چه می‌فهمیم که چه می‌خواهیم! چه جرأتی به ما داده‌اند! باور کنید من از ماه شعبان امسال که مناجات شعبانیّه را می‌خواندم در جمله‌ای می‌خکوب شدم و هنوز می‌خکوبم.

إِلٰهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي^۷ خدایا جود تو به من جرأت داده تا این آرزوهای بلند را داشته باشم. من کجا و این آرزوها کجا؟ من و معیت با پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام؟! من و اینکه حیات و ممات من، حیات و ممات آنها باشد؟! فقط خودشان جرأت دادند که این عبارت‌ها را بگوییم؛ **وَالآ مَا لُثْرَابُ رَبِّ الْأَرْبَابِ!** خاک را چه به عالم پاک؟

به‌هرحال بعد از این سلسله دعاها، دوباره سراغ لعن می‌رود و از سر رشته شروع می‌کند. [در اینجا هم] دو رشته لعن داریم. لعن اوّل را از چه کسی شروع کردیم؟ **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ**. از اباسفیان شروع کردیم. اباسفیان چهره‌ای است که جریان بنی‌امیه را در به قدرت رسیدن عثمان مدیریت کرد و خطّ و ربط داد. معاویه هم که زاده‌ی پلید ابوسفیان بود و همان خط‌مشی اباسفیانی را دنبال کرد. و بعد از او هم یزید که جنایت عظیم کربلا را مرتکب شد. بینید از بالا شروع کردیم؛ **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سُفْيَانَ** و بعد معاویه و بعد هم یزید بن معاویه. این فراز اوّل لعن بود. در فراز دوم لعن چه کسانی را لعن می‌کنید؟ کسانی از آل‌زیاد و آل‌مروان که عملاً دست به کار جنایت شدند. از مسبّب شروع کردید و به مباشر رسیدید. سپس لعنی دارید که صد بار گفته می‌شود. در این فراز هم باز از چه کسی شروع می‌کنید؟ **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ**: اوّلین کسی که این ظلم و جنایت را مرتکب شد. اوّلین کس، یا به معنای اوّلین گروهند که همان گروه کودتاچیان

۷. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۶ و محدث‌قمی، مفاتیح‌الجنان، مناجات‌شعبانیّه.

سقیفه‌اند. **وَ آخِرَ تَابِعِ لَهُ عَلِيٌّ ذَلِكَ:** و بعد گروه‌های دیگری که از آنها پیروی کردند. یا اینکه اول ظالم را شخص بگیرید و بعد لعن بر کسانی که امام حسین علیه السلام را تنها گیر آوردند و ظالمانه حضرت را به شهادت رساندند؛ و بعد سلام به اباعبدالله علیه السلام و اصحاب ایشان است.

اینها خوب نیست که به لفظ درآید. ان شاء الله در هر یک از این سلام‌ها و لعن‌هایتان ببینید که چه صحنه‌هایی را نشان‌تان می‌دهند. بعد از این صد لعن و صد سلام دوباره لعن و نفرین است: **اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي.** بعد این سلسله لعن می‌شوند و بعد هم سجده‌ی شکر و دعا. اولاً زائر با این همه مصیبت عظیم می‌گوید: خدایا همان‌طور که مولای من وقتی از مرکب به زمین افتاد و پیشانی بر خاک نهاد و بنا به نقل فرمود: **إِلَهِي رِضًا بِقَضَائِكَ، صَبْرًا عَلَيَّ بِلَاتِكَ، لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.**^۸ به درگاه تو ابراز رضایت کرد، ناشکری نکرد، گله نکرد که خدایا این چه وضعی بود که برای من پیش آوردی! خیر، سجده‌ی شکر پیش آورد! من هم به اقتدای مولایم می‌گویم که خدایا من تو را سپاس می‌گزارم. **اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ عَظِيمٍ رَزَيْتَنِي:** حمد و سپاس تو را به‌جا می‌آورم. ولو اینکه این رزبه و مصیبت خیلی عظیم است؛ این مصیبت برای من کوچک نیست؛ اما هر چه این مصیبت برای من بزرگ باشد، من راضی به مقدرات تو هستم. بعد هم دعا می‌کند و از خدای متعال ثبات قدم و شفاعت می‌خواهد. [شفاعت در یوم الورد، که دو تعبیر دارد.] یکی برای زمانی که جان می‌دهد. می‌گوید خدایا! جان که دادم و چشم باطنم باز شد، چشمم به سیمای اباعبدالله‌الحسین علیه السلام بیفتد. **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي**

۸. مفرم، مقتل، ص ۲۹۷: **صَبْرًا عَلَيَّ قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ مَالِي رَبِّ سِوَاكَ وَ لَا مَعْبُودَ غَيْرَكَ صَبْرًا عَلَيَّ حُكْمِكَ...**

و موسوعة الامام الحسين علیه السلام، ج ۴، ص ۵۸۲، به نقل از ابومخنف: **يَا إِلَهِي صَبْرًا عَلَيَّ قَضَائِكَ وَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ.**

شَفَاعَةُ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ.^۹ یوم الورد می‌تواند لحظه‌ی جان دادن باشد. اگر لحظه‌ی ورود به صحرای

قیامت هم باشد، زیباست؛ ولی در هر دو شفاعت می‌خواهد. شفاعت یعنی جفت. خدایا می‌شود؟! گفت:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

علی الصبح قیامت که سر ز خاک برآرم به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

زیارت عاشورا بیانیته‌ی تبری است و تبری لازمه‌ی تویی است. تویی بدون تبری مورد پذیرش نیست؛

تویی نیست. ولایت بدون برائت ولایت نیست. روایت آن را در کتاب ره‌توشه‌ی دیدار نقل کرده‌ام و

عزیزان خوانده‌اند. فردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد که کسی هست خیلی به شما ارادت و عشق

می‌ورزد؛ ولی در تبری جستن نسبت به دشمنان شما کمی سست است. حضرت فرمودند: ولایتی که

ابراز می‌کند هیچ ارزشی ندارد!^{۱۰} زیارت عاشورا آثار عجیبی در سیر باطنی دارد و گردنه‌های عظیم و

هولناکی در سیر و سلوک باطنی و نیل به مقامات معنوی با آن طی می‌شود.

راجع به زیارت عاشورا این جمله مطرح شد که فرمود: اگر شده در همه‌ی عمر لا اقل یک بار زیارت

عاشورا را با صد لعن و صد سلام بخوان و از آن محروم نمان. معمولاً در جلسات که زیارت

عاشورا می‌خوانیم، لعن و سلام را یک بار می‌گوییم و بعضی‌ها در پایان آن می‌گویند که خدایا این

چیزی که گفتیم نود و نه بار دیگر هم علاوه بر این یکبار، تَسْعاً وَ تِسْعِينَ مَرَّةً، و بعضی هم می‌گویند

که صد بار، مِائَةَ مَرَّةً. ولی اینکه انسان بنشیند و دل بدهد و صد بار این لعن را تکرار کند، اثر دیگری

دارد. [لعن ریشه‌هایی را برمی‌کند... نمی‌خواهم وارد بحث طینت شوم؛ قبلاً گفته‌ایم. اهل بیت علیهم السلام

۹. طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۵ و محدّث قمی، مفاتیح‌الجنان، زیارت‌عاشورا.

۱۰. ابن‌ادریس، سرائرالحاوی، ج ۳، ص ۶۴۰ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۸: كَذَّبَ مَنْ ادَّعَىٰ مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّبِعْنَا مِنْ عَدُوِّنَا.

طینتشان علیّینی است و این خبیث‌ها طینتشان سجّینی است. بعد مزج طینت‌ها اتّفاق افتاد و [مردم] ممزوج شدند. اصل طینت مؤمنین، علیّینی است؛ مقداری از طینت سجّینی در آن قاطی شده است. یک مقدار از طینت اولی و دومی در طینت آنها قاطی شده است. اگر خُلق بدی دارد، اگر معصیتی می‌کند، اگر مثلاً رفتارهای نامربوطی از او سر می‌زند، مال همان طینت سجّینی آن دو نفر است که در طینت او قاطی شده است. حالا من چه کار کنم تزکیه شوم؟ اینها را بکن و از وجودت بیرون بریز! بخشی از طینت سجّینی را که وارد وجودت شده بکن و بیرون بریز. چطور بکنم؟ با لعن! فقط لعن می‌تواند این کار را بکند و هیچ چیز دیگری نمی‌تواند چنین کاری بکند. لعن است که این کار را می‌کند. آن آشغال‌هایی را که با طینت علیّینی قاطی شده نابود می‌کند؛ جدا می‌کند و بیرون می‌ریزد. **لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ**:^{۱۱} خدا خبیث را از طیب جدا می‌کند؛ چون اصل طینت مؤمن طینت طیب است؛ ولی طینت خبیث با آن قاطی شده است. لعن، طینت خبیث را از طینت طیب و پاک بیرون می‌کشد. **لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ!** لعن این کار را می‌کند؛ لذا بنشین و صد بار لعن کن. صد بار لعن را تکرار کن. البتّه ختم‌هایی هم برای زیارت عاشورا با آثار عجیبی نقل کرده‌اند. کسی چهل روز زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام مداومت کند، بعد ببیند که چه اتّفاقاتی می‌افتد و چه چیزهایی و چه گره‌هایی در ظاهر و باطن او باز می‌شود؛ چه درهایی در ظاهر و باطن زندگی به‌روی او گشوده می‌شود. بنابراین اینکه می‌گوییم مائة مرة، کار آن صد بار را نمی‌کند. اصل این است که صد بار بنشینیم و بگوییم: **اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جانت بسوزد و از ته دل بگویی اللَّهُمَّ الْعَنْ!** یعنی ببینی که این خبیث‌ها چه کردند و از ته دلت لعن و نفرین کنی؛ فقط به لفظ و بر زبان جاری نشود. آن وقت ببین که آشغال‌ها را چگونه از وجودت بیرون می‌ریزد. و صد بار هم سلام کنی! می‌دانید که سلام در فرهنگ ما واژه‌ی لحظه‌ی ملاقات است. یعنی در صد مرتبه از مراتب هستی با امام

۱۱. سوره‌ی انفال، آیه‌ی ۳۷.

حسین علیه السلام داری ملاقات می کنی: **السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ!** آن وقت صد بار هم امام حسین علیه السلام می گویند: علیک السلام! اگر صد بار امام حسین علیه السلام به کسی جواب سلام دهند خدا می داند که چه می شود. خدا می داند! این است که فرمودند: اگر شده یک بار هم در تمام عمرت زیارت عاشورا را با صد لعن و سلام بخوان. هر چند اگر کسی یک بار آن را بچشد، دیگر محال است که زورش به خودش برسد که ترک کند. افراد شیرینی ها و لذت های دنیوی را که یک بار استفاده می کنند بعد دیگر نمی توانند رها کنند و معتاد می شوند. حاضرند جانشان را بدهند ولی دست از آن نکنند. این شیرینی فوق بهشتی است! شیرینی عالم قرب است. کسی بچشد دلش می آید که آن را ترک کند؟! لذا اینکه گفت یک بار، این یک بار را شما انجام بدهید، بقیه اش خودش خواهد آمد.

ان شاء الله یک بار زیارت عاشورا را بچشیم. زیارت عاشورا را گرچه می گوییم بخوان، چون در عرف می - گوییم زیارت را بخوانید؛ والا اصل این است که زیارت بکن! زیارت عمل است و عبارت نیست. آن که خوانده می شود، زیارت نامه است. زیارت یعنی دیدن؛ یعنی ملاقات. عزیزان بحث هایش را در ره توشه می دید/ خوانده اند. امام حسین علیه السلام را زیارت کن؛ زیارت کن! امام حسین علیه السلام را زیارت کن! آن وقت می - شود که کسی امام حسین علیه السلام را زیارت کند و بعد رویش را از امام حسین علیه السلام برگرداند؟! آیا دلش می آید که امام حسین علیه السلام را ببیند و زیارت کرده باشد و بعد رها کند؟ خیلی ها از لشکر عمر سعد جدا شدند و به امام حسین علیه السلام پیوستند. اما تا به حال شنیده اید که یک نفر از لشکر امام حسین علیه السلام جدا شده باشد و رفته باشد به لشکر عمر سعد ملحق شده باشد؟ مگر می شود؟! مگر می شود کسی امام حسین علیه السلام را زیارت کند و دلش بیاید که از حضرت رو برگرداند؟! حتی رو برگرداند از امام حسین علیه السلام و به بهشت نگاه کند! به بهشت هم نگاه نمی کند!

می بهشت نوشم ز دست ساقی رضوان مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

یا اباعبدالله!

چه را نگاه کنم؟ امام حسین علیه السلام من تو را دیده‌ام! رویم را برگردانم و به حورالعین نگاه کنم؟! نه دنیا
برایمان گذاشتی نه آخرت!!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ